

علیرضا وکیلی افس از گذر از روزهای پرتالهاب و هفته هایی که با ایستادگی و صبر یک ملت میفل خورد، اکنون نوبت به چیدن میوه استقامت رسیده است. نگاه توحیدی به ما می آموزد که رنج های مسیر مقاومت، هرگز بی پاسخ نمی مانند و پایان شب های طولانی، به سپیده ای درخشان ختم می شود. مردمانی که در برابر فشارها شانه خالی نکردند و با توکل بر قدرت لایزال الهی، ثبات قدم خود را به جهانیان نشان دادند، اکنون در آستانه تجربه حقیقتی هستند که طعم تلخ سختی ها را به حلاوت پیروزی بدل می کند. این ایستادگی، تنها دفاع از خاک نبوده است، بلکه زمینه سازی برای یک دگردیسی بزرگ و فتوحاتی است که ابعاد آن فراتر از مرزهای جغرافیایی خواهد بود.

قرآن کریم در سوره مبارک صف، زیباترین مژده را برای مجاهدان و صابران چنین بیان می فرماید: «وَأَخْرَىٰ بُحُورَهُمَا * نَضْرُ مِن ٱللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ * وَبَشِيرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ، وَ نِعْمَتٌ دَیْکَرِیْ کَ أَن رَّا دُوسِطَ دَارِید، بَهِ شَمَائِیْ بَیْخِش دَ ٱن، یَارِی خُداوند و پیروزی نزدیک است، و مؤمنان را بشارت ده!»، این آیه، خستگی را از تن یک ملت مقاوم می زداید. عبارت «تجربونها، نشان می دهد که خداوند از اشتیاق انسان ها برای دیدن پیروزی ملموس، آگاه است و آن را به عنوان یک پاداش زود هنگام نوید می دهد.» نصر من الله» یعنی یاری خداوندی که تمام قدرت ها در برابر او هیچ اند و «فتح قریب» یعنی پیروزی آن قدر نزدیک است که رایحه آن به مشام می رسد.

این بشارت، تنها یک وعده برای آینده نیست، بلکه یک قانون قطعی برای هر جبهه ای است که صادقانه پای حق ایستاده باشد. فتوحات بزرگی که در راه است، نتیجه منطقی خسته نشدن در پیج های تند این مسیر پرفرازونشیب است. نوید فتح نزدیک، لرزه بر اندام مستکبرانی می اندازد که تمام توان خود را برای ناامید کردن مردم به کار بستند. تاریخ نشان داده است که وقتی ملتی به مرحله «بشارت» می رسد، دیگر هیچ مانعی نمی تواند سد راه پیشروی آن شود. این پیروزی، سرآغاز فصلی جدید در تاریخ منطقه و جهان است، فصلی که در آن جبهه حق، از جایگاه مقاومت به جایگاه حاکمیت و وراثت می رسد. این همان تیزی است که به زودی بر تارک رسانه های مستقل جهان خواهد نشست. بیابیم با قلبی سرشار از امید، خود را برای بشارت های بزرگ تر آماده کنیم. مقاومت دو ماهه اخیر، پلی بود به سوی فتوحاتی که هندسه قدرت را تغییر خواهد داد. نصرت الهی در یک قدمی است و پیروزی، سهم کسانی است که در اوج تقابل، به وعده «و بشار المؤمنین» یقین داشتند. فردا از آن کسانی است که در میانه طوفان، به ناخدای عالم اعتماد کردند. خبرهای خوب، پاداش ملتی است که هرگز رانو نذر.

محمدجواد علیپور ادر منطق قرآن و حدیث، ایمان و عمل صالح درهم تنیده اند، گویی دوروی یک سکه اند. درخت ایمان را جز از میوه هایش نمی توان شناخت و آن میوه، چیزی جز عمل صالح نیست. این عمل است که ادعای دین داری را به محک حقیقت می زند و میزان تعهد قلبی شخص را آشکار می سازد.

عمل صالح؛ سندی بر صدق ایمان

حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) در کلامی ژرف، این رابطه را چنین ترسیم می فرمایند: «بِالْعَمَالِیَاتِ یُسْتَفْتَلُ عَلَی الْإِیْمَانِ، با کردارهای شایسته است که به ایمان فرد پی برده می شود.» این بیان نورانی، عمل صالح را نه صرفاً نشانه که دلیلی منطقی برای اثبات ایمان می داند. اگر باطن انسان با نور ایمان روشن شود، پرتو این روشنایی، لاجرم در ظاهر اعمال او متجلی خواهد شد. پس عمل صالح، زبان گویای قلب مؤمن است که بی هیچ کلامی، از حقیقت درون او پرده برمی دارد.

توازن خوف و عمل در سیره متقین

امانکنه ظریف در سیمای دین داری حقیقی، غفلت نکردن از اقت خودپسندی است. چه بسا فردی با انبانی از اعمال نیک، به ورطه غرور فرولغزد و همان عمل، حجاب راهش شود. امیرالمؤمنین^(ع) در تبیین ویژگی پرهیزکاران می فرمایند: «تَعْمَلُ الْاَعْمَالُ الصَّالِحَةَ وَفَعُولُی وَحَلِی، انسان متقی، اعمال صالح را به جای می آورد، درحالی که پیوسته بیمناک است.» این بیم، ترس از عاقبت امور و روشن شدن اعمال به دلیل آفات پنهانی چون ریا و عجب است. انسان صالح، میان بیم و امید حرکت می کند؛ از سویی امیدوار به رحمت و اوسع الهی است و از دیگریسو، از کاستی عمل و سنگینی میزان سنجش در روز جزا هراسان است. این خوف مقدس، نه مانع عمل که موتور محرکه و پالاینده آن می شود و عمل را از شائبه خودبینی، میرا می کند و نشانه ای راستین از دین داری متعهدانه و خالصانه می گرداند.

در روزگاری که انسان بیش از هر زمان دیگری با اضطراب، سرگردانی و پرسش های عمیق معنوی روبه روست، بازخوانی آثاری که نسبت ما را با حقیقت انتظار و امام عصر^(ع) روشن می کنند، اهمیتی دوچندان دارد. کتاب «حضرت حجت» که برپایه بیانات، توصیه ها و اشارات آیت الله محمدتقی بهجت تدوین شده است، از همین دست آثار است، کتابی که تنها به بیان مطالب اعتقادی بسنده نمی کند، بلکه می کوشد مخاطب را به نوعی حضور قلب، مراقبه معنوی و احساس نسبت زنده با حضرت ولی عصر^(ع) نزدیک کند.

آیت الله بهجت در میان عالمان معاصر، چهره ای ممتاز در پیوند میان فقهات، اخلاق و عرفان عملی به شمار می رفت. سخن گفتن از امام زمان^(ع) در کلام او، صرفاً بحثی نظری یا تاریخی نبود، بلکه از سنخ زیست مؤمنانه و تجربه دائمی حضور بود. از همین رو کتاب «حضرت حجت^(ع)» نیز حال و هوایی فراتر از یک مجموعه نقل قول دارد و می تواند برای خواننده، نقشه ای معنوی در مسیر انتظار و آمادگی باشد.

این اثر در چهار بخش تنظیم شده است. در بخش نخست، منظومه فکری آیت الله بهجت درباره امام عصر^(ع) ترسیم می شود. بخش دوم که هسته اصلی کتاب را تشکیل می دهد، مجموعه گفتارها، پاسخ ها و توصیه های ایشان درباره حضرت حجت^(ع) را دربر می گیرد. در بخش سوم، سخن از شرایط تشرّف، آداب توجه و برخی تجربه های نقل شده در این زمینه به میان می آید و در بخش پایانی نیز کوششی برای پاسخ به برخی پرسش ها و شبهات رایج درباره امام زمان^(ع) دیده می شود.

انتیاز مهم کتاب، آن است که «انتظار» را از یک مفهوم صرفاً احساسی یا شعاری بیرون می آورد و به عرصه عمل، خودسازی و مراقبت از ایمان پیوند می زند. در روزگاری که غفلت، تردید و آشفتگی فکری رو به گسترش است، این کتاب یادآوری می کند که رابطه با امام، از مسیر اصلاح درون، صدق نیت و آمادگی روحی می گذرد. «حضرت حجت^(ع)»، برای علاقه مندان مباحث مهدویت، دوستداران سلوک اخلاقی و نیز همه کسانی که می خواهند معنای حقیقی انتظار را عمیق تر بفهمند، اثری خواندنی، الهام بخش و تأمل برانگیز است.



همدلی را از قرآن بیاموز



گزارش
آمنه مستقیم! یکی از ویژگی هایی که اسلام را دین برتر می داند و بین پیروان آن با پیروان دیگر ادیان و مکاتب، فاصله معنادار ایجاد کرده است، غلبه روح جمعی و دیگرخواهی در مقابل فردگرایی و خودخواهی است. این طور نیست که در اسلام، دین محدود به سجاده و چهار دیواری های شخصی شود، بلکه اسلام در خوشی و ناخوشی، نسخه همدلی و همراهی را تجویز می کند که تجربه متفاوتی از زندگی را به انسان هدیه می دهد.

همدلی، یکی از فضایل اخلاقی مهم در اسلام است که در آیات قرآن کریم به اشکال مختلف به آن اشاره می شود. این مفهوم نه تنها در روابط فردی، بلکه در ساختار اجتماعی و تعاملات انسانی نیز نقش بسیار کلیدی دارد، برای همین هم قرآن کریم به روش های مختلف، مؤمنان را به مهربانی و گذشت، یاری رسانی به نیازمندان و ایجاد وحدت و برادری میان انسان ها، دعوت می کند و همدلی را نشانه ایمان می داند.

در مسیر همدلی، بعد از نیت که اهمیت بسیاری دارد، این عمل ماست که به طرق مختلف، می تواند به تحقق جامعه همدل کمک کند. از جمله راه های همدلی، پرهیز از ظن و بدگمانی نسبت به یکدیگر است که مثل موریانه، انسجام و وحدت را از درون می خورد و از بین می برد. برای آنکه همدلی بین افراد جامعه ایجاد و تقویت شود، باید حسن ظن و خوش گمانی را جایگزین بدگمانی کنیم. آیات قرآن نیز ما را از هرگونه بدگمانی نسبت به هم نهی می کند و می گوید اعمال و رفتار یکدیگر را نیک و خوب تعبیر کنید.

مرور سیره معیشتی امام رضا^(ع)، نشان می دهد که حضرت، خود در کمک به دیگر مؤمنان پیشتاز بودند. مطابق روایتی مشهور، ایشان در دوره حضورشان در مرو و یکی از روزهای عرقه، تمام دارایی خود را میان گرفتاران و مستمندان تقسیم کردند. در این روایت آمده است که امام^(ع) به فضل بن سهل، وزیر ارشد مأمون که با اطلاع از این اقدام، آن را نوعی زیان تلقی کرده بود، فرمودند: «آنچه بخشیدم، غنیمت بود و نه زیان. من به وسیله آن، پاداش و کرامتی را خریداری کردم.» (این شهر آشوب، ج ۴، ص ۲۶۰)

از جلوه های مهم همدلی در آموزه های دینی، داشتن عدل و انصاف در برخورد با دیگران است. انصاف یعنی نادیده گرفتن برخی حقوق خود و ایثار برای جلب رضایت دیگران که همدلی را به شدت در جامعه تقویت می کند. اگر افراد جامعه فراتر از عدل، با انصاف با دیگران رفتار کنند، جامعه ای همدل ایجاد می شود و انسان ها به یکدیگر، گرایش و محبت قلبی بیشتری پیدا می کنند و این محبت، مسیر رسیدن به بسیاری از اهداف والای انسانی اجتماعی را فراهم و هموار می کند؛ برای همین هم قرآن، عدالت و انصاف را عامل قوام جامعه و سد تنش و اختلاف می داند و تأکید می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا قَٰوِمِيَّ بِالْقِسْطِ...» (سوره نساء، آیه ۱۱۳).



حجت الاسلام والمسلمین سیدعلی پور حسینی نقی
نویسنده و فعال فرهنگی

آموزه های اهل بیت^(ع) سرشار از مصادیق عالی اخلاقی حتی در شرایط سخت اقتصادی است. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) می فرمایند: «أَقْوَىٰ عَدُوُّ الشَّدَائِدِ الضَّرِيرُ، قُوَى تَرِین دشمن سختی ها، صبر و شکیبایی است.» (تصنیف غررالحکم، صفحه ۲۸۲، حدیث ۶۲۷۵) و همچنین تأکید کرده اند که با پرهیز از غش در تجارت و رعایت حقوق مردم، می توان نقشه راهی برای بنیان نهادن اقتصادی سالم یافت. و نیز تأکید شده است که دوری از ربا، پرهیز از احتکار و کمک به نیازمندان در اوج کمبود، شروط اصلی کسب منزلت در نزد خدا و مردم است. این آموزه ها به ما یادآوری می کنند که برای شکست دشمن در جنگ اقتصادی، نیازی به هرج و مرج یا شایعه پراکنی نیست، بلکه اوج قدرت، در مدیریت صحیح منابع، حمایت از تولید داخلی و اخلاق مداری در معاملات است.

نسل جوان و خانواده های ایرانی برای عبور از این بحران ها، نیازمند شعارهای پیچیده نیستند، رعایت ساده ترین اصول

اخلاقی، می تواند سرآغاز تحولی بزرگ باشد. پرهیز از مصرف گرایی نمایشی و کاهش هزینه های غیرضروری و اولویت بندی نیازها به جای تحقق تمام خواسته ها، اولین قدم در این مسیر است. دومین گام، حمایت از تولید داخلی و خرید کالای ایرانی به عنوان نوعی دفاع از اقتصاد ملی و ایجاد اشتغال است. سومین برنامه، عدم واکنش های هیجانی به اخبار اقتصادی و پرهیز از شایعاتی است که باعث هجوم به بازارها می شود و چهارمین اقدام، همیاری اجتماعی و تشکیل صندوق های خرد محلی و کمک به همسایگان و هم محلی ها در مواقع نیاز است. باید قبول کرد که هر فرد با اصلاح رفتار مصرفی و اقتصادی خود، حلقه ای از زنجیر اقتصاد مقاومتی می شود. اگر هر یک از ما تلاش کنیم با قناعت و هوشمندی، گرهی از مشکلات اقتصادی باز کنیم، آن گاه معراج اخلاقی در عرصه اقتصاد نیز تحقق خواهد یافت و فردایی درخشان تر، امن تر و مستقل تر برای ایران اسلامی رقم خواهد خورد.

به نظر می رسد جلوگیری از طمع های اقتصادی کلان توسط دولتمردان، تکمیل کننده این مثلث است و مهم ترین ضلع برای ایجاد تعادل در جامعه اسلامی است. اگر در دو ضلع پیشین بر نقش مردم و تولیدکننده تأکید کردیم، در این بخش باید نگاهی

آیات متعدد به شیوه های مختلف، ضرورت همدلی را مطرح و برکات آن را بیان می کنند؛ مثل آیه ۱۰ سوره حجرات، خداوند در این آیه می فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ...» این آیه به برادری میان مؤمنان، اشاره و همدلی و اتحاد را اساس یک جامعه سالم معرفی می کند. آیه ۷۱، سوره توبه نیز که می فرماید «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاُ بَعْضٍ...»، با معرفی مؤمنان به عنوان دوست یکدیگر، بر یاری رسانی آن ها به هم و توجه به امور و مشکلات یکدیگر تأکید می کند.

اخلاق نیکو (حسن خلق) که در آموزه های قرآنی روایی به آن توصیه بسیار شده، از جلوه های مهم و اثرگذار همدلی است. گاه یک لبخند، یک روی خوش نشان دادن به دیگران و مهربانی کردن با افراد، در اجتماع دل ها و همدل شدن افراد، اعجاز می کند. قرآن کریم می فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقْبِلُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» (بقره، ۸۳)، قرار گرفتن حسن خلق در کنار دستورات اساسی دین مثل نماز و زکات، اهمیت آن را نشان می دهد. دردمندان و نیازمندان همان قدر که به کمک مالی نیاز دارند، به اخلاق نیکو و همدلی ما نیز نیازمندند.

از جلوه های مهم همدلی و مواسات که ائمه معصوم^(ع) نیز خود به آن، هم توصیه و هم عمل می کردند، مواسات و قرار دادن سهم برای فقرا از اموالمان است، چنان که حضرت امیرالمؤمنین^(ع) شب ها به صورت ناشناس به فقر سرکشی می کردند و برای آن ها غذا می بردند و بعد از شهادت حضرت بود که مردم متوجه شدند آن ناشناس، خلیفه مسلمانان بوده است! امام رضا^(ع) نیز در پاسخ به اینکه برترین مردم کیست، فرمودند: «آن که دیگران در زندگی او شریک باشند، بهترین زندگی و آن که دیگران در زندگی او شریک نباشند، بدترین زندگی را دارد.» (تحف العقول، ص ۴۲۷)

علاوه بر پاداش و اجر معنوی، مرور آثار اجتماعی و روان شناسانه نیز نشان می دهد که همدلی، درمان بسیاری از دردها و مشکلات ماست؛ مثل کاهش اضطراب و استرس، تحقیقات علمی نشان داده اند افرادی که سطح همدلی زیادی دارند، اضطراب کمتری را تجربه می کنند و احساس آرامش بیشتری دارند. علاوه بر این، همدلی، روابط اجتماعی را تقویت می کند، چون مردم به کسی که احساسات و مشکلات آن ها را درک می کند، بیشتر اعتماد می کنند و مهم اینکه همدلی، حس رضایت از زندگی و شادی درونی را نیز افزایش می دهد؛ در مسیر همدلی، ابتدا خود شخص احساس رضایت می کند. این ها همان چیزهایی است که ما برای سبک زندگی صحیح و حرکت در مسیر رسیدن به حیات طیبه به آن ها نیاز داریم.

مکارم اخلاق اقتصادی از نگاه اهل بیت^(ع) در میدان نبرد

عمیق به اخلاق حکمرانی و مسئولیت پذیری حاکمان در برابر طمع های راند خواران بیندازیم، در نظام اسلامی، حکومت تنها یک ساختار قدرت سیاسی نیست، بلکه یک امانت الهی است، حاکمان و دولتمندان به عنوان نمایندگان مردم در بیت المال و امینان بر سریر قدرت، با معیارهای سخت گیرانه تری در محضر خدا و مردم سنجیده می شوند.

گرانی های افسارگسیخته؛ ریشه در فساد ساختاری یا تحریم؟
گرانی های تورمی در شرایط بحران، لزوما ناشی از تحریم یا کمبود نیست، بلکه در بسیاری مواقع ریشه در فساد ساختاری، رانت خواری و غفلت از عدالت توسط مسئولان دارد. در اخلاق اسلامی، حاکم عادل کسی است که اصل بیگانگی یا بیت المال را سرلوحه کار خود قرار دهد. پیامبر اکرم^(ص) فرمودند: «حکومت امانت است.» وقتی حاکم یا مدیر دولتی، بیت المال را متعلق به خود یا گروهی خاص بداند، با بازابر قدرت برای ایجاد کمبودهای مصنوعی برای سودجویی شخصی و دوست سالاری استفاده کند، عملاً به ریشه اقتصاد مقاومتی ضربه زده است. اخلاق حکمرانی ایجاب می کند که حاکمان در سخت ترین لحظات اقتصادی، خودپیشگام قناعت باشند و از تجمل پرستی که با شأن مقام عمومی همخوانی ندارد، پرهیز کنند.